

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پاول سوریډوف (Pavel sviridov) و عماد عبدالرحمان، الرأی (اردن)
برگردان از: ا.م. شیری
۱۶ دسمبر ۲۰۱۷

بیت المقدس: کلید یا فتیله؟

روزهای خشم جهان اسلام

در نتیجه چند روز اعتراض که در پی شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل از سوی دونالد ترامپ فلسطین را در نوردید، بیش از هزار عرب آسیب دید، حداقل دو نفر به ضرب گلوله پولیس و نظامیان اسرائیل کشته شد. یکی از مقتولان محمود المارسی ۲۹ ساله اهل غزه بود.

درگیری‌ها، خود بیت المقدس را هم در برگرفت. اما رویارویی‌های شدیدتر در بیت لحم، و همچنین، در مرزهای غزه که تحت نظارت اسرائیل قرار دارد، روی داد.

بر اساس گزارش پولیس اسرائیل، عصر روز یکشنبه، هنگامی که اعتراضات فلسطینی‌ها در بیت لحم به کمک ماشین‌های زرهی و گاز اشک‌آور سرکوب گردید، حرکات اعتراضی فروکش کرد. با این حال، این به هیچ وجه به معنای آن نیست، که تنش‌های ناشی از بیانیۀ ترامپ در مورد بیت المقدس به طور کلی پایان یافته است. فلسطینی‌ها برای اولین بار در طول ماه‌های اخیر اراضی اسرائیل را از نوار غزه با موشک‌های دست‌ساز دو باره هدف قرار دادند، و اسرائیل این منطقه تحت محاصره را زیر آتش گرفته است. در بیت المقدس یک عرب ۲۴ ساله از ساکنان ساحل غربی رود اردن یک اسرائیلی -نگهبان توقفگاه اتوبوس را با ضربات چاقو مجروح نمود.

واضح است که تعداد چنین حوادث نه تنها در اسرائیل، حتی در اراضی اشغالی فلسطین افزایش می یابد. به طوری که مهاجر ۲۹ ساله فلسطینی پس از ورود به رستوران حلال آمستردام و شکستن پنجره آن، پرچم اسرائیل را به پائین انداخت و شعارهای ضد اسرائیلی سر داد. درست است او پس از آن گفت، که اقدام وی ربطی به "بیانیۀ بیت المقدس" (ترامپ) نداشته، بلکه، در ارتباط با "وضعیت ناگوار فلسطین" بوده است.

در جریان اقدامات اعتراضی برای همبستگی با فلسطین که در یکسری کشورهای اروپایی به عمل آمد، از جمله، در برلین، پرچم اسرائیل به آتش کشیده شد. البته، همه اقدامات تاکنون مسالمت‌آمیز بوده است. اما به احتمال بسیار زیاد مسلمانان تندرو پر شمار در اروپا می‌توانند "بیانیۀ بیت المقدس" را دلیلی برای حملات جدید به کشورهای اروپایی قرار دهند. روشن است که هیچ یک از متحدان اروپایی امریکا از تصمیم واشینگتن حمایت نکرد. به رغم این، اتحادیه اروپا همچون گذشته، هیچ موضع متمایز خاصی در قبال مسأله فلسطین ندارد. اکنون بدتر این است، که تنش‌ها، خشونت‌ها،

در وهله اول در اماکن مقدس، و همچنین، در منطقه و خارج از محدوده آن شدت بگیرد. در عراق، اردن، لبنان، ترکیه، اندونزی و سایر کشورهای مسلمان صدها هزار نفر با شعارهای ضد امریکائی و ضد اسرائیلی در تظاهرات اعتراضی شرکت کردند.

اما مهمتر از همه، روند مذاکرات صلح نچندان مؤثر بین فلسطین و اسرائیل به طور کامل در هم شکست. در این رابطه رهبر فلسطین اعلام کرد، که ایالات متحده امریکا دیگر نمیتواند نقش واسطه در حل و فصل مشکل ایفا نماید. همین موضع را رقبای سیاسی وی در حماس نیز ابراز نمودند. از جمله، سخنگوی رسمی جنبش حماس، سامی ابو زهری اظهار داشت، که مذاکرات به اصطلاح صلح فرو ریخت و فلسطینی ها هیچ وقت با وساطت امریکا مجدداً به میز مذاکره باز نخواهند گشت: "در میان فلسطینی ها در این خصوص که به مذاکره ها باید یک بار برای همیشه نقطه پایان گذاشت، وفاق ملی حاصل شده است".

در همین حال، ۹ دسمبر درست سی سال از شروع انتفاضه اول فلسطینی ها -شورش برای استقلال گذشت. آن شورش شش سال ادامه یافت (در این مدت بیش از دو هزار نفر فلسطینی و در حدود یکصد اسرائیلی کشته شد). شورش اول به دنبال امضای توافقنامه فلسطین -اسرائیل پس از مذاکرات محرمانه طولانی بین طرفین در اسلو در پائیز سال ۱۹۹۳ پایان یافت. ۱۳ سپتمبر سال ۱۹۹۳ در واشینگتن، در چمن کاخ سفید، با حضور رئیس جمهور امریکا -بیل کلینتن، نخست وزیر اسرائیل -اسحاق رابین و رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین -یاسر عرفات، طی مراسم با شکوهی اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین بیانیه مشترک در باره اصول امضاء کردند.

بر اساس این اصول، دولت فلسطین تشکیل گردید. سازمان آزادی بخش فلسطین حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت، اسرائیل متعهد شد تصمیمات ملل متحد دایر بر تشکیل کشور فلسطین را اجراء نماید و به اشغالگری نقطه پایان بگذارد، سازوکارهای مشخص اجرای این ها تعیین گردید.

خودگردانی فلسطین و دولت، و همچنین نهادهای دولتی در این مدت به واقع تشکیل گردید. اما اسرائیل به اشغال ساحل غربی رود اردن و بیت المقدس در این مدت پایان نداد، احداث شهرک های یهودی در اراضی اشغالی ادامه یافت، باریکه غزه تحت محاصره اسرائیل به سر می برد. موجودیت کشور فلسطین به پایتختی بیت المقدس غربی تا کنون اعلام نشده است.

تندروهای فلسطینی (مقدم بر همه، حماس که در مذاکرات اسلو شرکت نداشت)، به سهم خود هنوز هم حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی شناسند و از روش های تروریستی علیه اشغالگری استفاده می کنند. در جریان انتفاضه دوم که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ ادامه یافت، پنج هزار نفر فلسطینی و در حدود هزار نفر اسرائیلی کشته شد. هزاران عرب ساکن نوار غزه قربانی عملیات جنگی "سرب مذاب" (دسمبر ۲۰۰۸ -جنوری ۲۰۰۹) و "ستون ابری" (جنوری ۲۰۱۴) اسرائیل گردید.

همه این ها پیشاپیش هم نشان می دادند، که "توافق اسلو" قابل اجرا نبود. در قاهره جلسه اضطراری وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب برگزار گردید. در سند پایانی این جلسه آمده است: "تصمیم امریکا در خصوص به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل فاقد اعتبار است. این، یک تخلف خطرناک از قوانین بین المللی و قطعنامه مصوب شورای امنیت ملل متحد می باشد. وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب با پیروی از قطعنامه شورای امنیت ملل متحد، هر اقدام یک طرفه مبنی بر تغییر وضعیت حقوقی بیت المقدس را که از سوی جامعه بین المللی به رسمیت شناخته شده، رد می کند". کشورهای عضو اتحادیه عرب جامعه جهانی را برای به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین به پایتختی بیت المقدس شرقی فراخواند.

بیانیه تصریح می‌کند، که ایالات متحده آمریکا با تصمیم در مورد بیت المقدس خودش را از عنوان "ضامن و واسطه در روند حل و فصل مسالمت آمیز در منطقه محروم می‌سازد. با این تصمیم فقط موجب تعمیق تنش‌ها می‌گردد، به آتش خشم دامن می‌زند و منطقه را به آشوب هر چه بیشتر گرفتار می‌کند".

رئیس جمهور ترکیه، رجب طیب اردو خان با صراحت باز هم بیشتر اظهار داشت: "ما بیت المقدس را به مرحمت یک دولت تروریستی - قاتل کودکان، که هیچ هدف دیگری غیر از اشغالگری و غارتگری ندارد، رها نخواهیم کرد. ما به مبارزه قاطع خود ادامه خواهیم داد".

در مقابل این، بیانات نماینده دائمی آمریکا در ملل متحد، نیکی هیلی که اظهارات داشت فقط واشینگتن مستحق اعتماد در حل و فصل مشکل فلسطین - اسرائیل می‌باشد، به طور کلی غیر متعارف یا بسیار سخیف بنظر می‌رسد: "ملل متحد بیش از آن که به روند صلح در خاور میانه کمک کند، آسیب زده است. ما قصد نداریم بخشی از آن باشیم. هنگامی که ملل متحد چنین غیر عادلانه اسرائیل را مورد حمله قرار می‌دهد، ایالات متحده آمریکا دیگر نمی‌تواند تماشاگر باشد. هنگامی که سخن از برخورد عادلانه هم در مورد اسرائیلی‌ها و هم در باره فلسطینی‌ها به میان می‌آید، آمریکا در نظر ندارد به مواعیط کشورهای غیر معتمد گوش فرادهد". به گفته وی، "همه توافقنامه‌های تاریخی صلح بین مصر و اسرائیل، اردن و اسرائیل در چمن کاخ سفید امضاء شده است".

معلوم می‌شود، که علت عبارت از این است، که خاور میانه همچون سابق یکی از مناطق انفجار آمیز در جهان می‌باشد و نتایج "توافقنامه‌های تاریخی" شکننده یا ناچیز است.

بیت المقدس: کلید یا فتیله؟

رامکاری که پادشاه اردن، عبدالله دوم برای تعامل با کشورهای عربی منطقه، دنیای اسلام و سایر اعضای جامعه بین‌المللی در ارتباط با تصمیم رئیس جمهور آمریکا مبنی بر شناسایی بیت المقدس اشغالی به عنوان پایتخت اسرائیل و شروع قاعده انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در پیش گرفت، مستقل از عواقب احتمالی آن، یک مورد منحصر به فرد از تفاهم بین‌المللی در رابطه با اهمیت حفظ وضعیت تاریخی و حقوقی این شهر مقدس را به وجود آورد. اکثریت مطلق کشورهای تصریح می‌کنند، که این مسأله حساس‌ترین موضوع شمرده می‌شود، زیرا، به صدها میلیون انسان در اکثریت کشورهای جهان مربوط می‌شود.

پادشاه اردن، که میزبان اجلاس کشورهای اتحادیه عرب در ساحل بحرالمیت در ماه مارچ سال جاری بود، با تمرکز روی چند موضوع، به اقداماتی دست زد.

اول - صحبت تلفونی با حامی اصلی پروسه حل و فصل مسالمت آمیز مسائل خاور میانه - ایالات متحده آمریکا، که در جریان آن پادشاه در مورد خطر برداشتن چنین گامی هشدار داد. یکی از جدی‌ترین عواقب عبارت است از تقویت پایه‌های سازمان‌های تروریستی در منطقه و ایجاد شرایط بازگشت آنها، صرف نظر از پیروزی نظامی ائتلاف بین‌المللی در کار نابودسازی این گروه‌ها.

دوم - تقویت روابطه با قدرت‌های منطقه‌ای، به ویژه، با ترکیه، که در حال حاضر ریاست سازمان همکاری اسلامی را به عهده دارد و به نمایندگی از بیش از ۵۰ کشور صحبت می‌کند، و همچنین، دارای روابط متقابل با سایر کشورهای جهان می‌باشد. واکنش منفی جامعه جهانی نسبت به تصمیم ترمپ گواهی از آن می‌دهد، که آمریکا و اسرائیل در مقابل جهان موضع خصمانه گرفته‌اند.

سال نخست ریاست جمهوری ترمپ با تظاهرات اعتراضی، بحران‌های سیاسی داخلی و خارجی همراه بود. رئیس‌جمهور امریکا با برداشتن چنین گامی در قبال مسئله بیت‌المقدس در صدد ایجاد اختلاف بین کشورهای خاورمیانه می‌باشد. بدین منظور، او قوانین بین‌المللی را زیر پای می‌گذارد، روند مسالمت‌آمیز را که همواره مورد حمایت واشینگتن به شکل پشتیبانی کامل از مواضع یک طرف بود، به طوری که نتواند به میزان اعتماد به واسطه و حامی اصلی روند مسالمت‌آمیز آغاز شده از سال ۱۹۹۱ تأثیر بگذارد، بی‌اعتبار می‌سازد.

دلایل رد تصمیم ترمپ چیست؟

اول - شهر بیت‌المقدس با وجود تعداد زیاد اماکن مقدس خود از نظر یک و نیم میلیارد مسلمان، صدها میلیون عرب مسیحی و بقیه مسیحیان جهان شهر مقدس شمرده می‌شود. از این رو، اعطای حق حاکمیت کامل این شهر مقدس به اسرائیل توهین آشکار به اماکن مقدس می‌باشد. همه ما شاهد سوءاستفاده‌های گسترده از طرف یهودیان مهاجر و اخلاف مکرر در کار مسجد الاقصاء به شکل ممانعت از نمازگزاران مسلمانان هستیم. دست زدن به اقدامات پیاپی برای حمله به مسجد الاقصاء و تلاش برای آتش زدن آن نمونه این اخلاف‌گرها هستند.

دوم - در مدت هفتاد سال اخیر اردن توانست از اماکن مقدس شهر به طرق حمایت مالی، قیمومیت و مدیریت اوقاف حراست نماید. همه اینها باعث شدند حاکمیت اشغالگر اسرائیل نتواند از راه کاربست سیاست عمل انجام شده وضعیت حقوقی بیت‌المقدس را تغییر دهد. از جمله، برنامه اسرائیل دایر بر تخریب مسجد الاقصاء و ایجاد معبد یهودی در محل آن به منظور جامه عمل پوشاندن به رؤیای تاریخی یهودی‌ها که در اسناد اندیشه‌پردازان صهیونیسم ذکر شده، شکست خورد.

سوم - دنیا درک می‌کند، که اسرائیل به منظور این که خاورمیانه خسته از جنگ را دوباره به آشوب و هرجومرج گرفتار نماید، برای آتش‌افروزی در منطقه تلاش می‌کند. درست به همین دلیل ما شاهد واکنش‌های منفی، حتی از طرف نزدیک‌ترین متحدان واشینگتن در مقابل تصمیم ترمپ در خصوص شناسایی بیت‌المقدس به مثابه پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت امریکا هستیم.

همه دنیا آگاه است، که آتش جنگ به منطقه محدود نخواهد شد و می‌تواند از دایره مورد پیش‌بینی خارج گشته، بسیاری از کشورهای جهان را در برگیرد.

چهارم - به رسمیت شناختن امریکا واقعیت موجود را تغییر نمی‌دهد، تغییری در این واقعیت نمی‌دهد، که اراضی بیت المقدس و همه اراضی فلسطین از بحیره تا بحیره، سرزمین تاریخی فلسطین فقط به مردم فلسطین تعلق دارد که به خارج از میهن خود رانده شده‌اند. و سند اثباتی این مدعا هم بیانیة بالفور می‌باشد، که صد سال پیش انتشار یافت. علاوه بر این، اشغال بیت‌المقدس شرقی توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و اعلام آن به عنوان پایتخت واحد و ابدی دولت یهودی در سال ۱۹۸۰ گام‌هایی هستند که تا کنون از سوی جامعه بین‌المللی یا ایالات متحده امریکا به رسمیت شناخته نشده‌اند.

پنجم - همه دنیا می‌داند، که حمایت از متجاوز و اشغالگر به جای پشتیبانی از آسیب‌دیده، به معنای ایراد ضربه به نظام حقوقی بین‌الملل، و همچنین، به اخلاقی محسوب می‌شود، که روابط و مناسبات بین کشورها بر اساس آنها تنظیم می‌گردد. کشورها درک می‌کنند، دفاع از دولتی که قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد، از اجرای قطعنامه‌های ملل متحد سر می‌تابد و به قدرت یک دولت مقتدر تکیه می‌کند، چقدر خطرناک است. به همین دلایل، خلق فلسطین در طول بیش از هفتاد سال با اخراج اجباری، قتل و زندان مواجه بوده و از تمام حقوق خود محروم شده است.

گام بعدی اعراب چه خواهد بود؟

تصمیم ترمپ نشان می‌دهد، که ایالات متحده آمریکا دیگر نقش واسطه بی‌طرف را در روند مسالمت‌آمیز بازی نخواهد کرد. به همین دلیل، لازم است دولت‌های عربی برای تقویت موضع خود به سوی مراکز دیگر قدرت، مانند اتحادیه اروپا، چین و روسیه روی آورند.

فشار اقتصادی نیز نقش حیاتی در این شرایط بازی می‌کند، اما برای اجرای آن، موضع واحد و محکمی لازم است که همه کشورهای عربی باید اتخاذ نمایند. در اینجا ضرورت دارد این واقعیت نیز مورد توجه قرار داده شود، که شریک امریکائی، متحد اصلی اعراب، از حمایت سران و خلق‌های منطقه پس از آن محروم گردید، که به طرز آشکاری به حساب صدمه زدن به منافع همه بازیگران، از اسرائیل جانبداری کرد.

پس از تصمیم ترمپ در مورد بیت‌المقدس باید رویکرد جدید به مسائل مرتبط با مذاکره و صلح با اسرائیل، از جمله، مسأله بیت‌المقدس که بی‌هیچ تردیدی، نقش مرکزی در روند صلح ایفا می‌کند، مورد توجه قرار گیرد. هر گامی که به منافع فلسطینی‌ها و عرب‌ها پاسخ ندهد، روند صلح را خالی از معنی و محتوا خواهد کرد.

همچنین عرب‌ها باید تصمیم خود را در برقراری مناسبات با اسرائیل مورد بازبینی قرار دهند. زیرا، این کشور قوانین، توافقات و مقررات را رعایت نمی‌کند. این مدعا را نمونه کشورهای عربی که توافقنامه صلح با اسرائیل را امضاء کردند، ثابت می‌کند.

علاوه بر این، ایجاد یک نیروی مقتدر با استفاده از جمعیت عرب و مسلمان مقیم کشورهای امریکا، اروپا و جهان به طور کلی به منظور اعمال فشار به حاکمیت این کشورها و وادار کردن آنها به بازنگری سیاست‌های منطقه‌ای خود و تفهیم این که تصمیم یک جانبه، منطقه‌ای را به آشوب می‌کشد که روابط بسیار گسترده با دنیای خارج دارد، ضروری است.

ایالات متحده آمریکا به سهم خود باید بفهمد، که اگر با فتوای لابی یهودی گام برمی‌دارد، در این صورت، عواقب منفی آن فقط به این منتهی نخواهد شد، بلکه، سایر مسائل مهم برای امریکا را هم احاطه خواهد کرد. همین وضع در انتظار همه کشورهایی است که در آن لابی یهودی وجود دارد. زیرا، اقدامات منجر به تخریب سرنوشت خلق‌های منطقه، بی‌عدالتی، نشان دادن حس‌نیت به آنها، به مثابه فتیله برای جنگ‌های آینده در خاور میانه عمل می‌کند.

سرچشمه :

[پورتال ساوتسکایا راسیا](#)

۱۳۹۶/ ۹/ ۲۴